

«نورده وصل تو کو کز بر حال بر خرم»
حافظ

سراز

۶
من و کده ماه حافظ جاوید
۱
من و این قندله مقدس عشق
۲
من و این معبد بزرگ منیر
من که این را میگویم باور

ما ز من بوبه چه «نورده وصل»
ما کنم سجده؟ به «طایر قدس»
ما گفتم بر آن سواد چه

۲
من و دیدار سحر ابدی
انتظار جهانان - سعدی
ما گذارم بر آن ستایش سر
ببینم تا توانی «سرخ سمر»

۷
۵۵
۱۰۰
۱۰۰
من و این کورنشین در دانی
~~این کورنشین و دستان منیر~~
ما ز من جاوید و میگویم تکرار
گرچه حال فرم از زبان
داده سراز خرمی به بهار
دری که...

نگارز - ۲

سویچ دریاچه سبز ما

یا که آردای ^{بللالی} ~~بللالی~~ ^{بللالی}

ما به صد نشسته نگارز!

گورکن

هم خود ببند و بین

باد بر روی آب می رقصد

ماه با توج می کند بازی.

آه عفو و عمارت - ای نگارز

بند زهر و مرد بار دگر

آسمان تو بر ستاره حرکت

و ده که آتش گرفته ام زین ^{هم} در

کاشک کلب در تو سله درت.

حوار باد این نگار و برادر

از فرامات تو

ز رکن آباد

ای کله ک و بدستگاه نزد

کتابه حافظ "ات" نگارز آباد!

۵ ۴ ۳

نگارز
۱۹۸۶

نفس هر سنگ طری از تاریخ
از طلوع و غروب قدرتهاست
این همه جان و این همه سکر
که در این کاغذها هزاران سوال
مانده بر جا و ماندگار استند
از هنرهای روزگار کهن
هنرین هنر و یادگار استند
سب ز هر شهر و هر دیار در
آسمان تو بر شماره تراست
و شماره است از غنچه خند
افق دور لا محدودی تو
که سر است و که فراز است
چو افق های در ز خندی
۹۹۹ ایران ۱۳۶۰
شماره

این شعر کلامی است که
شعر از این است